

بررسی روایات شهود معصومان وفات یافته در بیداری و احتضار

سیدعلی اصغر موسوی اطهر (پیشکش)^۱

چکیده

یکی از مباحث کلامی درباره معصومان علیهم السلام امکان شهود آنان بعد از وفاتشان است. به ظاهر شهود معصومان وفات یافته در بیداری و احتضار، هم بر اساس قوانین تشریحی و تکوینی خداوند میسر است و هم بر اساس رخداد آن در خارج؛ یعنی، هم امکان ذاتی دارد و هم امکان وقوعی. ادله و شواهد متعدد روایی، امکان وقوع شهود را پشتیبانی می کنند. قوی ترین دلیل روایی مسلم نزد غالب اندیشمندان فریقین، روایات معراجیه در معتبرترین جوامع است. طبق این روایات مستند به قرآن، علاوه بر شرکت کردن نبی مکرم در گردهمایی پیامبران در بیت المقدس، در آسمان ها نیز با برخی از آنان ملاقات و گفت و گو داشت. روایات مربوط به شهود تعدادی از معصومان توسط محتضر، نزد شیعه متواتر است. اثبات امکان وقوعی شهود، پیام آور استمرار حیات، آگاهی برخی از فعالیت ها و مسؤولیت های معصومان و در نتیجه، اثبات کننده معقول بودن توسل به آنان پس از وفاتشان است. مأموریت این پژوهش کتابخانه ای، گزارش ادله و شواهد روایی امکان وقوعی شهود در بیداری و احتضار است.

واژگان کلیدی

محتضر، معراج، ارتباط با اموات، کلام نقلی، معارف حدیث

درآمد

گاهی از جانب برخی از دین‌باوران ادعای شهود یکی از پیامبران و یا اهل بیت علیهم‌السلام شنیده می‌شود. این ادعا زمانی عجیب می‌شود که در حالت بیداری و با گفت‌وشنود باشد. برخی از پرسش‌هایی که با شنیدن این ادعا به ذهن می‌رسد عبارت‌اند از: ۱. آیا حیات معصومان پس از مرگ استمرار دارد؟ ۲. آیا این حیات با آگاهی همراه است؟ ۳. آیا گفت‌وشنود و حضور در اماکن متعدد نوعی رفتار نیست؟ مگر پس از مرگ، عمل به پایان نمی‌رسد؟ ۴. آیا برزخ، مانع رجعت و حضور در دنیا نیست؟ ۵. مگر جسم معصومان در قبرشان نیست؟ پس چگونه چنین رخدادی ممکن است؟ کسی که یکی از معصومان را ندیده، چگونه یقین می‌کند فلان معصوم را دیده است؟ ۶. آیا بر اساس روایات، چنین رخدادی واقع شده است؟

تمام پرسش‌های مطرح‌شده در پایان‌نامه «تحلیل روایات امکان مشاهده معصومان علیهم‌السلام بعد از رحلت آنان»، اثر نگارنده^۲ به تفصیل تحلیل شده است. مقاله پیش رو، در مقام پاسخ به پرسش ششم با الهام از پژوهش مذکور است. در حقیقت، پاسخ به این پرسش، جواب چهار سؤال ابتدایی یعنی: مثبت استمرار حیات، آگاهی، استمرار کردار و فقدان مانع برای حقیقت رجعت نیز خواهد بود. نتیجه کشف این حقایق، عقلانی‌بودن توسل به پیشوایان معصوم و شفاعت‌خواهی از ایشان و بسته‌شدن راه تکفیر شیعه توسط سلفی‌ها و پیروان آنان است. پژوهشی مستقل و موجز که پاسخ‌گوی پرسش ششم باشد یافت نشد. کهن‌ترین کتاب که بیشترین حدیث در این موضوع را ثبت کرده، کتاب «بصائر الدرجات» اثر محمد بن حسن صفار (م ۳۹۰ق) است. در جلد اول این کتاب، ذیل «باب فی أن الأئمة علیهم‌السلام یزورون الموتی...»، ۱۹ روایت با همین پیام، با سندهای متنوع ذکر شده است.

مقاله پیش رو، با الهام از رساله «تحلیل روایات امکان مشاهده معصومان علیهم‌السلام پس از رحلت آنان» و با ترکیب داده‌پردازی‌های گزارشی و توصیفی و با روش پژوهشی کتابخانه‌ای سه گام اساسی برداشته است که عبارت‌اند از: ۱. ادله امکان وقوعی شهود در حالت بیداری؛ ۲. شواهد امکان وقوعی شهود در حالت بیداری؛ ۳. ادله شهود حتمی در حالت احتضار.

۲. این پایان‌نامه در سطح سه حوزه، سال ۱۳۹۵ با اشراف اساتید معظمه، دکتر علی نصیری (استاد راهنما) و دکتر محمود احمدی میانجی (استاد مشاور) و با کسب نمره «۱۹/۵» دفاع شد.

الف. ادله روایی امکان وقوعی شهود معصومان در حالت بیداری

برخی از ادله روایی امکان مشاهده در بیداری، مربوط به دیدار معصوم با معصوم و برخی نیز مربوط به دیدار غیر معصوم با معصوم هستند. تعدادی از روایات قسم دوم، ناظر به مشاهده معصوم توسط افراد غیر مؤمن هستند. مجموع روایات این باب، ذیل دو عنوان ارایه می‌شود: ۱. روایات معراجیه؛ ۲. روایات غیر معراجیه.

۱. روایات معراجیه

پشتوانه اعتقاد به وقوع ملاقات با پیشوایان معصوم وفات یافته در بیداری، تنها روایات ثبت شده در جوامع حدیثی شیعه نیست؛ بلکه، تعدادی از آیات به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از ارتباط نبی مکرم با پیامبران دیگر در معراج پرده بر می‌دارد و روایات در معتبرترین جوامع حدیثی عامه نیز با استناد به همین آیات قرآن، از این واقعیت پرده برداشته‌اند. دو نمونه از این آیات عبارت‌اند از:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.^۳
وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا...^۴

دو نمونه از روایات که در تفسیر و ذیل این دو آیه، در معتبرترین منابع فریقین ثبت شده و حکایت‌گر ملاقات پیامبر اکرم با پیامبران دیگر است عبارت‌اند از: «حضور پیامبر ﷺ در گردهمایی پیامبران در بیت المقدس» و «ملاقات پیامبر با انبیا دیگر در آسمان‌ها».

یک. حضور پیامبر ﷺ در گردهمایی پیامبران در بیت المقدس

مرحوم کلینی (۳۲۹ق) در کتاب «الکافی» به سند صحیح و سند دیگر از ابی ربیع شامی روایت کرد که شخصی پس از تلاوت آیه اخیر (دومی) از امام باقر علیه السلام پرسید: پرسش پیامبر ﷺ از چه کسانی بود؟ حضرت در مقام پاسخ، پس از تلاوت آیه اول از سوره اسراء فرمود:

۳. الإسراء: ۱؛ «منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصى - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد، تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست.
۴. الزخرف: ۴۵؛ «و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو...». روایات متعدد در برخی از کتاب‌های مهم عامه در ارتباط با این آیه ثبت شده است. پیام این روایات عبارت است از ملاقات پیامبر ﷺ با پیامبران پیشین و اعتراف ایشان به ولایت حضرت علی علیه السلام. سیدعلی میلانی (معاصر) در کتاب «تشیید المراجعات» پس از بیان دیدگاه‌های متنوع عامه پیرامون این آیه و نقد برخی از این دیدگاه‌ها توسط خود عامه، روایات مذکور را پس از ذکر، تحلیل کرده است (ر.ک: ج ۲، ص ۳۴۱ - ۳۵۵). ایشان در «نفحات الأرزهار» نیز در صدد پاسخ‌گویی به برخی از شبهات، پیرامون آیه مذکور و روایات مربوط به آن برآمده است (ر.ک: ج ۱۶، ص ۳۶۹ - ۳۷۳). سیدشریف مرتضی (۴۳۶ق) نیز در «أمالی» سه دیدگاه مهم و مرتبط با آیه را تحلیل کرده است (ر.ک: ج ۲، ص ۷۹ - ۸۱).

فَكَانَ مِنَ الْآيَاتِ الَّتِي أَرَاهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُحَمَّدًا حَيْثُ أُشْرِيَ بِهِ إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ أَنْ حَشَرَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ثُمَّ أَمَرَ جِبْرَائِيلَ فَأَذَّنَ... وَأَقَامَ... ثُمَّ "تَقَدَّمَ مُحَمَّدٌ فَصَلَّى بِالْقَوْمِ" فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُمْ عَلَى مَا تَشْهَدُونَ...؟⁵

بر اساس این روایت، از جمله آیاتی که خداوند، [در شب معراج] در سیر شبانه پیامبر ﷺ به سوی بیت المقدس [و حضور در آن] به او نشان داد، گردهمایی تمام انبیا و رسولان بود. جبرئیل، به دستور خداوند اذان و اقامه گفت. سپس پیامبر ﷺ پیشاپیش تمام برگزیدگان الهی به نماز ایستاد [و آنان نیز به او اقتدا کردند]. پس از اتمام نماز، پیامبر ﷺ از آنان پرسید: به چه شهادت می دهید...؟
دو نکته مهم:

۱. اقامه نماز جماعت تمام پیامبران به امامت خاتم پیامبران، در «صحیح مسلم» (۲۶۱ق) نیز ثبت شده است. فرازی از این روایت در کتاب مذکور چنین است:

وَقَدْ رَأَيْتَنِي فِي جَمَاعَةٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، فَإِذَا مُوسَى قَائِمٌ يَصَلِّي... وَإِذَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَائِمٌ يَصَلِّي... وَإِذَا إِبْرَاهِيمَ قَائِمٌ يَصَلِّي... فَحَانَتْ الصَّلَاةُ فَأَمَّتَهُمْ.⁶

بنا بر این روایت، نبی مکرم، پیامبرانی نظیر حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت ابراهیم را دید که مشغول نماز بودند؛ او هنگام نماز، پیش نماز آنان شد.

۲. تفسیری که در منابع معتبر حدیثی خاصه و عامه در ارتباط با آیه دوم^۷ بیان شد، صرفاً ناظر به باطن نیست. بنا بر تفسیر روایی، هم سو با ظاهر آیه، پرسشگر، پیامبر است و پرسش شونده، پیامبران پیشین هستند. با وجود تفسیر مأثور، به صرف استبعاد قابل پاسخ، تفسیر دیگر، سزاوار نیست. مرتبط دانستن این آیه با آیه ۹۴ از سوره یونس سخن بی دلیل است.^۸

۵. ر.ک: الکافی، ج ۸، ص ۱۲۰ - ۱۲۱، ح ۹۳. همین روایت در تفسیر القمی و الإحتجاج نیز ثبت شده است با این تفاوت که بعد از «فَلَمَّا انْصَرَفَ»، فرمایش ذیل نیز اضافه شده است: «قَالَ اللَّهُ لَهُ: سَلْ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى مَا تَشْهَدُونَ؟...» (ر.ک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۳۲ - ۲۳۳؛ الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ البرهان، ج ۴، ص ۸۷۰). طبرسی در الإحتجاج روایت بسیار مهم دیگر از امیرمؤمنان ثبت کرده است. حضرت در فرازی از این روایت طولانی آیه مذکور را مرتبط با معراج و پرسش پیامبر ﷺ از پیامبران پیشین دانستند (ر.ک: ج ۱، ص ۲۴۸، «...أَمَّا قَوْلُهُ وَ سَلُّ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا، فَهَذَا مِنْ بَرَاهِينِ نَبِيِّنَا...»).

۶. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۱۷۲ (۲۷۸).

۷. الزخرف: ۴۵.

۸. برخی از مفسران معتقدند که اگر چه مخاطب، پیامبر است؛ اما مراد از این خطاب، تمام امت‌ها حتی مخالفان نیز هستند. پرسش شونده‌گان نیز پیروان با ایمان و یا تمام پیروان پیامبران هستند. اینان معتقدند که تفسیر روایی مذکور، تنها اشاره به باطن

دو. ملاقات پیامبر با انبیای دیگر در آسمان‌ها

«شیخ صدوق» در کتاب «الفقیه» از امام صادق علیه السلام روایت کرد:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ أَمَرَهُ رَبُّهُ بِخَمْسِينَ صَلَاةً فَمَرَّ عَلَى النَّبِيِّينَ نَبِيٍّ نَبِيٍّ لَا يَسْأَلُونَهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَقَالَ يَا أَيُّ شَيْءٍ أَمَرَكَ رَبُّكَ فَقَالَ بِخَمْسِينَ صَلَاةً فَقَالَ اسْأَلْ رَبَّكَ التَّخْفِيفَ فَإِنَّ أُمَّتَكَ لَا تُطِيقُ ذَلِكَ.^۹

خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج دستور داد تا [او و امتش] پنجاه نماز در شبانه‌روز به‌جا آورند. او از کنار یکایک پیامبران گذشت [و با ایشان ملاقات کرد]. هیچ یک از ایشان از او چیزی نپرسید تا به موسی بن عمران علیه السلام رسید؛ او پرسید: پروردگارت چه دستوری به تو داد؟ پیامبر پاسخ داد: پنجاه نماز. حضرت موسی علیه السلام گفت: از پروردگارت بخواه تعداد نمازها را کم کند زیرا امت تو توان این دستور را ندارند (آن را انجام نمی‌دهند).

پیام روایت فوق در برخی جوامع اولیه و معتبر عامه نیز آمده است؛ مانند:

آ. «المصنف»^{۱۰} (۲۳۵ق)، «مسند احمد بن حنبل»^{۱۱} (۲۴۱ق) و «صحیح مسلم»^{۱۲} (۲۶۱ق):

أُتِيتُ بِالْبُرَاقِ، وَهُوَ دَابَّةٌ أَبْيَضٌ طَوِيلٌ فَوْقَ الْجَارِ، وَدُونَ الْبَعْلِ...
فَرَكِبْتُهُ حَتَّى أَتَيْتُ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ فَرَبَطْتُهُ بِالْحُلُقَةِ الَّتِي يَرْتَبُطُ بِهَا الْأَنْبِيَاءُ...

برایم براق (سواری تیزرو) حاضر شد؛ براقی سفید، از درازگوش (خر) بزرگ‌تر و از قاطر (استر) کوچک‌تر... سوارش شده تا بیت‌المقدس آمدم. وقتی رسیدم همانند پیامبران دیگر افسارش را به حلقه‌ای بستم....

آیه دارد. (ر.ک: الأمثل، ج ۱۶، ص ۶۳ - ۶۴). البته مفسران دیگر بُعد این دیدگاه را روشن دانسته‌اند (ر.ک: المیزان، ج ۱۸، ص ۱۰۵).

۹. ر.ک: من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۶۰۲. شیخ صدوق به‌صورت مسند و غیر مسند در برخی از تألیفاتش از امام زین‌العابدین علیه السلام روایتی را ثبت کرده که حاوی سه پرسش و پاسخ بسیار سودمند در خصوص این ملاقات‌ها است (ر.ک: من

لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۶۰۳؛ التوحید، ص ۱۷۶، ح ۸؛ الأمالی، ص ۴۵۸، ح ۴۳۰).

۱۰. ر.ک: ج ۸، ص ۴۴۳.

۱۱. ر.ک: ج ۳، ص ۱۴۸، ح ۱۲۵۳۳ (۱۲۵۰۵).

۱۲. ر.ک: ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۱۶۲ (۲۵۹).

ب. «محمد بخاری» (۲۵۶ق) در دو شماره^{۱۳} با اندک اختلاف در متن، همین پیام را از پیامبر ﷺ روایت کرده است. مضمون قسمتی از روایت به این شرح است:

با حیوان سواری تندرو و سفید که برایم آماده شده بود، به همراه جبرئیل به آسمان اول رفتیم. نزد حضرت آدم عليه السلام [در آسمان اول] آمده، بر او سلام کردم. او به من گفت خوش آمدی پسر من وای پیامبر خدا. به آسمان دوم رفتیم. [آنجا] نزد حضرت عیسی عليه السلام و حضرت یحیی عليه السلام رسیدم. ... به آسمان سوم رفتیم... [آنجا] نزد حضرت یوسف عليه السلام رفته و به او سلام کردم. به آسمان چهارم رفتیم... [آنجا] نزد حضرت ادريس عليه السلام رفته و به او سلام کردم. به آسمان پنجم رفتیم... [آنجا] نزد حضرت هارون عليه السلام رفته و به او سلام کردیم. به آسمان ششم رفتیم... [آنجا] نزد حضرت موسی عليه السلام رفته و به او سلام کردم... هنگامی که از کنارش گذر کردم گریست. ... به آسمان هفتم رفتیم... [آنجا] نزد حضرت ابراهیم عليه السلام رفته و به او سلام کردم... سپس به بیت المعمور و سدره المنتهی برده شدم... پنجاه نماز بر من واجب شد، پذیرفتم. هنگام بازگشت، حضرت موسی عليه السلام از من پرسید: چه کردی؟ گفتم: پنجاه نماز بر من واجب شد. او گفت: امت تو از اطاعت این فرمان، سر باز می‌زنند؛ برگرد و از خدا بخواه تخفیف دهد... .

ظاهراً جسمانی بودن معراج و رُخداد آن در بیداری و دیدار آیات الهی با دو چشم سر، مشهور روایی و اعتقاد شیعه است.^{۱۴} تعدادی از بزرگان نامدار عامه نیز پشتوانه این اعتقاد را همراهی جماعت بسیاری از مسلمانان عالی‌رتبه سلف از صحابه و تابعان و پیروانشان و همچنین بیشتر متأخران از فقها و محدثان و متکلمان و مفسران می‌دانند.^{۱۵} طبق این اعتقاد، سرعت سیر پیامبر ﷺ با جسم

۱۳. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۰۹، ح ۳۲۰۷؛ ج ۵، ص ۵۲، ح ۳۸۸۷: «... وَأُتِيَتْ بِدَابَّةٍ أَيْضًا... الْبُرَاقُ، فَأَنْطَلَقْتُ مَعَ جِبْرِيلَ حَتَّى أَتَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا... فَأَتَيْتُ عَلَى آدَمَ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، فَقَالَ: مَرْجَبًا بِكَ مِنْ إِيْنِ وَنَبِيِّ...».

۱۴. ر.ک: التبان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۲۴؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۶۴، «و قال اکثر المفسرين: و هو الظاهر من مذهب أصحابنا و المشهور فی اخبارهم؛ أن الله تعالى صعد بجسمه حياً سليماً حتى رأى ملكوت السموات و ما ذكره الله بعيني رأسه».

۱۵. ر.ک: الشفاء، ج ۱، ص ۳۶۰ تا ۳۶۲، «ذهب معظم السلف و المسلمین: الى أنه اسراء بالجسد و فی اليقظة. و هذا هو الحق. و هو قول ابن عباس و جابر و أنس... و هو قول الطبری و ابن حنبل و جماعة عظيمة من المسلمین. و هو قول أكثر المتأخرين من الفقهاء و المحدثين و المتكلمين، و المفسرين»؛ مفاتيح الغيب، ج ۲۰، ص ۲۹۳، «فالأكثر من طوائف المسلمین اتفقوا على أنه أسرى بجسد رسول الله ﷺ...»؛ شرح صحیح مسلم (النووی)، ج ۲، ص ۲۰۹، «وقد لخص القاضي عياض [۵۴۴ ق]... فی الاسراء جملا حسنة نفيسة فقال: «...»؛ فتح القدير، ج ۳، ص ۲۴۶، «و الذي دلّت عليه الأحاديث الصحيحة الكثيرة، هو ما ذهب إليه معظم السلف و

شریفش در معراج، فراتر از سیر حضرت سلیمان که مسیر دو ماه راه را در مجموع صبح و عصر می‌پیمود^{۱۶} و نظیر (و شاید فراتر از) سرعت طی الارض تخت بلقیس از یمن تا شام، کمتر از یک پلک‌زدن، توسط یکی از اولیای الهی^{۱۷} بوده است. پیامبر ﷺ، همانند^{۱۸} فرشته وحی که از جسم لطیف بهره‌مند است و مسیر عرش تا فرش و بالعکس را با سرعت وصف‌ناشدنی می‌پیماید؛ مسیر یک ماهه مسجدالحرام تا بیت‌المقدس و مسیر پنجاه‌هزارساله بیت‌المقدس تا ملکوت را با گفت‌وشنود و توقف‌هایش، کمتر از یک‌سوم شب گذراند.^{۱۹}

۲. روایات غیر معراجیه

محدثان بزرگ در جوامع اولیه و معتبر حدیث شیعه، روایات متعدد و متنوع در وقوع ملاقات با معصومانی که به‌ظاهر وفات یافته‌اند، ذکر کرده‌اند. تعداد قابل توجه از روایات، در ارتباط با گفت‌وگو و هم‌نشینی معصوم حیّ با معصوم وفات‌یافته در غیر خواب و یا احتضار است. گفتنی است که تعداد قابل توجه از روایات نیز در ارتباط با گفت‌وگو و هم‌نشینی غیر معصوم با معصوم وفات‌یافته در غیر خواب و یا احتضار است؛ مانند:

یک. ملاقات نبی مکرم با برخی از پیامبران در مسجدالحرام

محمد صفّار (۳۹۰ق) در کتاب بصائر الدرجات به سندش از عطیه ابزاری روایت کرد:

طَافَ رَسُولُ اللَّهِ بِالْكَعْبَةِ فَإِذَا آدَمُ بِحِذَاءِ الرُّكْنِ اليمَانِي فَسَلَّمَ عَلَيْهِ
رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ أَتَاهِيَ إِلَى الْحَجَرِ فَإِذَا نُوحٌ بِحِذَاءِ رَجُلٍ طَوِيلٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ
رَسُولُ اللَّهِ.^{۲۰}

پیامبر ﷺ در حال طواف کعبه بود؛ با حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام در مقابل رکن یمانی روبه‌رو شد و به او سلام کرد. هنگامی که به حجر الاسود رسید، به حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام [که] قامتی بلند داشت سلام کرد.

پرتال جامع علوم انسانی

الخلف من أن الإسراء بجسده و روحه يقظة...: المسائل و الرسائل، ج ۲، ص ۱۴۴، «قلت: و الروایات عن الإمام أحمد تشير إلى ما ذهب إليه الجمهور من أن الإسراء و المعراج كان بجسد رسول الله ﷺ يقظة لا مناما».

۱۶. «وَسَلَّمَ عَلَيْهِ الرَّيْحُ عُدُوها شَهْرٌ وَ رَوَّاحُهَا شَهْرٌ» (سبأ: ۱۲). اگر فرض شود با وسیله‌های نقلیه مرسوم زمان حضرت سلیمان در هر روز ۴۴ کیلومتر پیموده شود، در یک ماه ۱۳۲۰ و در دو ماه ۲۶۴۰ کیلومتر طی می‌شود. این مسیر طولانی را حضرت سلیمان در مجموع صبح و شام می‌پیمود (ر.ک: مفاهیم القرآن، ج ۷، ص ۲۰۲).

۱۷. «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ...» (نمل: ۴۰).

۱۸. ر.ک: مفاتیح الغیب، ج ۲۰، ص ۲۹۳.

۱۹. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام: «فَهَذَا أَفْضَلُ مِمَّا أُعْطِيَ سُلَيْمَانُ... إِنَّهُ سُرِيَ بِهِ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى مَسِيرَةَ شَهْرٍ وَ عَرَجَ بِهِ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ مَسِيرَةَ مِائَةِ أَلْفِ عَامٍ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثِ لَيْلَةٍ...» (الإحتجاج، ج ۱، ص ۲۲۰).

۲۰. ر.ک: بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۱۳.

دو. ملاقات امام صادق و امام کاظم با امام باقر علیهم السلام

محمد صفار به سندش از عبدالرحمن خثعمی روایت کرد که امام کاظم علیهم السلام به او فرمود:

خَرَجْتُ مَعَ أَبِي إِلَى بَعْضِ أَمْوَالِهِ فَلَمَّا بَرَزْنَا إِلَى الصَّحْرَاءِ اسْتَقْبَلَهُ
 شَيْخٌ أَبْيَضُ الرَّأْسِ وَاللَّحْيَةِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَنَزَلَ إِلَيْهِ أَبِي جَعَلْتُ أَسْمَعُهُ
 يَقُولُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ نَمَّ جَلَسْنَا فَتَسَاءَلَا طَوِيلًا ثُمَّ قَامَ الشَّيْخُ وَانْصَرَفَ
 وَوَدَّعَ^{۲۱} أَبِي وَقَامَ يَنْظُرُ فِي قَفَاهُ حَتَّى تَوَارَى عَنْهُ... قَالَ: هَذَا أَبِي...

۲۲.

با پدرم (امام صادق علیهم السلام) به سوی یکی از مزارعش می‌رفتیم که در صحرا با
 پیرمردی که موی سر و محاسنش سفید بود مواجه شدیم، پدرم پیاده شد و به
 او سلام کرد، می‌شنیدم که پدرم می‌گفت: فدایت شوم؛ مدت طولانی با هم
 سخن گفتند؛ سپس پیرمرد برخاست و با پدرم خداحافظی کرد و رفت و پدرم از
 پشت سر به او نگاه می‌کرد تا اینکه از چشم ناپدید شد. [در ادامه، امام
 صادق علیهم السلام] فرمود: او پدرم (امام باقر علیهم السلام) بود.

سه. ملاقات امام هشتم با نیاکان پاکش علیهم السلام

سه روایت از روایات حکایت‌گر ملاقات امام هشتم با نیاکان طاهرش علیهم السلام به شرح ذیل است:
 عبدالله حمیری (قرن ۳) و محمد صفار به سندشان از حسن (حسین) بن علی و شاء روایت کرده‌اند
 که امام رضا علیهم السلام در خراسان به او فرمود:

رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ هَاهُنَا وَالتَّرْمُتِيُّ^{۲۳}.

اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم و در خدمتش بودم.

۲۱. فیض کاشانی در نوادر الأخبار (ر.ک: ص ۳۲۳)، سید هاشم بحرانی در مدینه معجز الأئمة الإثنی عشر (ر.ک: ج ۵، ص ۳۸۲) و محمدباقر مجلسی در بحار الانوار (ر.ک: ج ۶، ص ۲۳۱ و ج ۲۷، ص ۳۰۴)، از بصائر الدرجات همین روایت را ذکر کرده‌اند؛ اما به جای «وَرَعَ» که در مصدر آمده است، «وَدَّعَ» ثبت کرده‌اند.

۲۲. ر.ک: بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۱۸؛ این روایت با اندک تفاوت در حدیث شماره سوم تکرار شده با این تفاوت که «إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي الْبَلَادِ» این واقعه را برای امام رضا علیهم السلام بازگو کرد.

۲۳. قرب الإسناد، ص ۳۴۸، ح ۱۲۵۹؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱؛ «الکافی»، ج ۱، ص ۲۶۰، ح ۶، «مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ مُسَافِرٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَاءَ علیهم السلام قَالَ: ...إِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ الْبَارِحَةَ وَهُوَ يَقُولُ...».

طبری آملی در دلائل الإمامة به سندش از محمد بن صدقه روایت کرد که امام رضا علیه السلام به او فرمود:

لَقِيتُ رَسُولَ اللَّهِ، وَعَلِيًّا، وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنَ، وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدًا، وَ جَعْفَرَ، وَ أَبِي [صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ] فِي لَيْلَتِي هَذِهِ... فَأَذَّنَانِي رَسُولُ اللَّهِ وَأَفْعَدَنِي بَيْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بَيْنَهُ... ٢٤

در همین شب [پیشوایان معصوم قبل از خودم را ملاقات کردم]، پیامبر نزدیک من شد و مرا بین خود و امیرمؤمنان نشانند. ٢٥

عبدالله حمیری و علی اربلی (٦٩٢ق) به سندشان از حسن بن علی و شاء روایت کرده‌اند که امام رضا علیه السلام بی مقدمه به او فرمود:

إِنَّ أَبِي كَانَ عِنْدِي الْبَارِحَةَ. قُلْتُ: أَبُوكَ؟ قَالَ: أَبِي. قُلْتُ: أَبُوكَ؟! قَالَ: أَبِي. قُلْتُ: أَبُوكَ؟! قَالَ: فِي الْمَنَامِ، إِنَّ جَعْفَرَ كَانَ يَجِيءُ إِلَى أَبِي فَيَقُولُ: يَا بَنِي أَفْعَلْ كَذَا، يَا بَنِي أَفْعَلْ كَذَا. قَالَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ، فَقَالَ لِي: يَا حَسَنُ، إِنَّ مَنَامَنَا وَيَقَطُّنَا وَاحِدَةٌ. ٢٦

پدرم دیشب پیش من بود. گفتم: پدرت؟ فرمود: [بلی] پدرم. باز پرسیدم پدرت؟ فرمود: [آری] پدرم [البته] در خواب. [امام] صادق علیه السلام [نیز] همیشه [پس از شهادتش] پیش پدرم می آمد و می فرمود: پسرم فلان کار را انجام ده. ...حسن! خواب و بیداری ما یکی است.

گویا ذکر «فِي الْمَنَامِ» از باب توریه و به سبب ضعف باور حسن بن علی و شاء است. مؤید این برداشت، سخن پایانی امام است که فرمود: حسن! «خواب و بیداری ما یکی» است. ٢٧

چهار. ملاقات گروه یمنی به همراه امیرالمؤمنین علیه السلام با جناب «سام»

مازندرانی (٥٨٨ق) در کتاب «مناقب»، روایت کرد که عده‌ای از یمنی‌ها از پیامبر درخواست معجزه کردند؛ در ادامه با بیان پیامبر صلی الله علیه و آله و کارگردانی امیرمؤمنان علیه السلام، زمین شکافته شد و قبر و

٢٤. ر.ک: ص ٣٧٦، ح ٣٣٩/٣٧.

٢٥. ترجمه، توضیحی است.

٢٦. قرب الإسناد، ص ٣٤٨، ح ١٢٥٨؛ كشف الغمة، ج ٢، ص ٣٠٣، «...عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام، قَالَ: يَا حَسَنُ، إِنَّ مَنَامَنَا وَيَقَطُّنَا وَاحِدَةٌ».

٢٧. علامه مجلسی: «لعل فی ذکر المنام توریة لضعف عقل السائل كما أشار علیه السلام إليه أخرا» (ر.ک: بحار الانوار، ج ٢٧، ص ٣٠٣)

تابوت آشکار گشت. پیرمردی با چهره درخشان همانند ماه شب چهارده و با محاسن بلند در حالی که خاک را از سرش می‌تکانید از قبر خارج شد. او ضمن عرض ارادت به امیرمؤمنان علیه السلام خود را «سام»، پسر نوح، معرفی کرد. فرازی از روایت چنین است:

فَأَنْشَقَّتِ الْأَرْضُ وَظَهَرَ حُجْرٌ وَتَابُوتٌ فَقَامَ مِنَ التَّابُوتِ شَيْخٌ يَتَلَأَلُ
وَجْهَهُ مِثْلَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ يَنْفُضُ التُّرَابَ مِنْ رَأْسِهِ... وَ صَلَّى عَلَى
عَلِيٍّ وَقَالَ... أَنَا سَامُ بْنُ نُوحٍ.^{۲۸}

پنج. ملاقات «عبایه اسدی» با وصی حضرت موسی علیه السلام

محمد صفار و ابن شهر آشوب به سندشان از «عبایه اسدی» روایت کرده‌اند:

دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عِنْدَهُ رَجُلٌ رَثٌّ أَهْيَيْتَهُ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
مُقْبِلٌ عَلَيْهِ يَكَلِّمُهُ فَلَمَّا قَامَ الرَّجُلُ قُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ هَذَا الَّذِي
أَشَعَلَكَ عَنَّا؟ قَالَ: هَذَا وَصِيُّ مُوسَى.^{۲۹}

خدمت امیرمؤمنان علیه السلام رسیدم، مرد ژنده‌پوشی آنجا بود، حضرت با وی گفت‌وگو می‌کرد، وقتی که آن مرد برخاست، گفتم: یا امیرالمؤمنین! این مرد که بود که صحبت با او شما را از توجه به ما باز داشت؟ فرمود: او وصی موسی علیه السلام بود.

الخرائج و الجرائح همین حدیث را از بصائر الدرجات روایت کرده با این تفاوت که به جای «رثٌّ أَهْيَيْتَهُ»، «حَسَنُ أَهْيَيْتَهُ» آورده که مناسب‌تر است.^{۳۰}

شش. ملاقات تعدادی از اصحاب امیرمؤمنان با وصی حضرت عیسی علیه السلام

عده‌ای از محدثان بزرگ با سند خود از عبدالرحمن بن کثیر و غیر او، حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که خلاصه آن چنین است:

هنگامی که امیرمؤمنان علیه السلام عازم جنگ صفین بود از فرات گذشت و به کوه نزدیک شد. وقت نماز عصر حضرت وضو گرفت و اذان گفت. وقتی که از اذان فارغ شد، «انْفَلَقَ الْجَبَلُ عَنْ هَامَةَ بَيْضَاءَ

۲۸. ر.ک: ج ۲، ص ۳۳۹-۳۴۰.

۲۹. ر.ک: بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۱۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۴۶.

۳۰. ر.ک: ج ۱، ص ۸۲۰.

بِلِحْيَةٍ بَيْضَاءَ وَ وَجْهِ أَبْيَضٍ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ؛^{۳۱} کوه شکافته گشت و شخصی با موی سر و محاسن و صورتی سفید و نورانی آشکار شد و به حضرت سلام داد. ... حضرت پس از جواب سلام فرمود: «برادرم! شمعون بن حمون الصفا؛ وصی روح القدس عیسی بن مریم، حال تو چگونه است؟» شمعون پاسخ داد: «خوب است، خدا تو را رحمت کند...». در ادامه پس از بیان مطالب مهم توسط شمعون و خداحافظی، کوه به هم آمد و امیرمؤمنان علیه السلام به جنگ رفت. عمار یاسر و مالک اشتر و هاشم بن عتبّه و ابویوب انصاری و قیس انصاری و عمرو بن حمق خزاعی و عبادة بن صامت و أبوالهیثم [بن] التیهان (رضی الله عنهم) ... شاهد این گفت‌وگو بودند و بینش آنان در مجاهده همراه آن حضرت بیشتر شد.^{۳۱}

هفت. ملاقات «اصبغ بن نباته» با نبی مکرم و امیرمؤمنان (عهم)

ابن شهر آشوب از اصبغ بن نباته روایت کرد که امام حسین علیه السلام به او فرمود:

می‌خواهی رسول خدا صلی الله علیه و آله را زودتر ببینی؟ ... با یک چشم بر هم زدن از مسجد کوفه وارد مسجد قبا شدند. وی گفت: «فَدَخَلْتُ فِإِذَا أَنَا بِرَسُولِ اللَّهِ مُحْتَبٍ^{۳۲} فِي الْمِحْرَابِ بِرِدَائِهِ فَتَنَظَرْتُ فِإِذَا أَنَا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَابِضٌ عَلَى تَلَابِيِبِ الْأَعْسَرِ فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَعْضُ عَلَى الْأَنْامِلِ وَ هُوَ يَقُولُ...»^{۳۳}

وقتی داخل شدم دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله رداء خود را جمع کرده و در میان محراب نشسته. نیز نگاه کردم دیدم امیرمؤمنان علیه السلام دامن فلانی را گرفته است. نبی مکرم صلی الله علیه و آله انگشت به دندان گرفته و به فلانی می‌فرمود:....

۳۱. ر.ک: بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۸۱؛ الناقب فی المناقب، ص ۲۲۶؛ الإرشاد، ص ۱۰۴، ح ۵؛ (با سند دیگر و اختلاف اندک در متن؛) الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۴۳، ج ۲، ص ۶۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۴۶.
۳۲. «الاحتباء: هو أن يضم الإنسان رجله إلى بطنه بثوب يجمعهما به مع ظهره ويشده عليها» (النهاية، ج ۱، ص ۳۳۵، «حبا»؛ «احتبى بالثوب: اشتمل» (تاج العروس، ج ۱۹، ص ۳۰۳، «حبو»؛ «احتبى الرجل: إذا جمع ظهره وساقه بعمامته، وقد يحتبى ببديه» (لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۶۱، «حبا».)
۳۳. ر.ک: مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۵۲؛ در پاورقی این کتاب آمده: «التلابيب جمع التليب: ما في موضع اللبب من الثياب و يعرف بالظوق. و الاعسر الشديد او الشوم و المراد به...»؛ ر.ک: «بحار الانوار»، ج ۴، ص ۱۸۵.

هشت. ملاقات گروهی از شیعیان با حضرت علی علیه السلام

بصائر الدرجات به سندش از سَمَاعَةَ روایت کرد که امام صادق علیه السلام فرمود:

عده‌ای از شیعیان بعد شهادت امیرمؤمنان نزد امام مجتبی علیه السلام آمده از او درخواست معجزه کردند. حضرت فرمود: اگر امیرمؤمنان علیه السلام را ببینید می‌شناسید؟ گفتند: آری. فرمود: پرده را کنار بزنید؛ [تا پرده را کنار زدند] امیرمؤمنان علیه السلام را دیدند به گونه‌ای که نمی‌توانستند انکار کنند. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «يَمُوتُ مَنْ مَاتَ مِنَّا وَ لَيْسَ بِمَيِّتٍ»؛ از ما هم می‌میرند ولی در واقع مرده نیستند و کسی به‌عنوان حجت برای شما باقی خواهد ماند.^{۳۴}

نُه. ملاقات «سماعة بن مهران» با امام باقر علیه السلام

محمد صفار به سندش از سَمَاعَةَ روایت کرد که امام صادق علیه السلام به او فرمود:

... تَشْتَهِي أَنْ تَرَى أَبَا جَعْفَرٍ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: قُمْ فَادْخُلِ الْبَيْتَ فَدَخَلْتُ فَإِذَا هُوَ أَبُو جَعْفَرٍ.^{۳۵}

آیا میل داری امام باقر علیه السلام را ببینی؟ گفتم: آری. فرمود: به این اطاق برو و نگاه کن. ...وارد اطاق شدم و حضرت را دیدم. الخرائج و الجرائح از بصائر الدرجات مطلب ذیل را اضافه کرده که در نسخه کنونی آن مشاهده نمی‌شود:

... فَإِذَا أَبُو جَعْفَرٍ وَ مَعَهُ قَوْمٌ مِنَ الشَّيْعَةِ مِمَّنْ مَاتَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ.^{۳۶}

دیدم حضرت با عده‌ای از شیعیان که قبل و بعد از او وفات کرده‌اند نشسته است.

ده. ملاقات خلیفه اول با نبی مکرم صلی الله علیه و آله

بصائر الدرجات به سند صحیح از عبدالله [بن] سینان روایت کرد که امام باقر علیه السلام فرمود:

۳۴. ر.ک: ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۴، «...أَتَى قَوْمٌ مِنَ الشَّيْعَةِ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بَعْدَ قَتْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَسَأَلُوهُ قَالَ تَعْرِفُونَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا رَأَيْتُمُوهُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ فَارْفَعُوا السُّرَّةَ فَرَفَعُوهُ فَإِذَا هُمْ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَنْكُرُونَهُ وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ... وَ يَبْقَى مَنْ بَقِيَ مِنَّا حُجَّةً عَلَيْكُمْ...».

۳۵. ر.ک: بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۴.

۳۶. ر.ک: ج ۲، ص ۸۱۸.

...أَخَذَ [أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ] بِيَدِهِ [أَبِي بَكْرٍ] ثُمَّ انْطَلَقَ إِلَى مَسْجِدِ قُبَا

فَدَخَلَ فَوَجَدَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى فَجَلَسَا حَتَّى فَرَغَ فَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ ... ۳۷

امیرمؤمنان علیه السلام دست خلیفه اول را گرفت و به سوی مسجد قبا

آمد. همین که داخل شدند پیامبر صلی الله علیه و آله را در حال نماز یافتند. نشستند

تا نماز حضرت تمام شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به خلیفه اول فرمود:

علاوه بر ده روایت با همین پیام در بصائر الدرجات،^{۳۸} همین آموزه در برخی از جوامع حدیثی

دیگر نیز به چشم می‌خورد. مانند روایت مسند، در معتبرترین کتاب حدیثی شیعه یعنی الکافی،^{۳۹}

مؤتفه هاشم بن حیان أبوسعید المکاری^{۴۰} و روایات دیگر در کتاب الإختصاص،^{۴۱} نگاشته شیخ مفید

(۴۱۳ق). طبق روایت حسن دیلمی (۸۴۱ق) در کتاب إرشاد القلوب، ابوبکر که از امکان ملاقات

پیامبر و سخن گفتن با او پس از رحلتش در شگفت بود، به همراه امیرمؤمنان علیه السلام وارد مسجد قبا

شد و پیامبر را دید که رو به قبله نشسته است. خلیفه اول با تعجب چگونگی وقوع این ملاقات را از

خود پیامبر پرسید. نبی مکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به این آیه استشهاد فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا مُحَمَّدٌ الْمَوْتَى

إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛ بی‌تردید کسی که زمین مرده را زنده کرد، یقیناً مردگان را زنده می‌کند زیرا

او بر هر کار تواناست.^{۴۲}

یازده. ملاقات منصور دوانیقی با نبی مکرم صلی الله علیه و آله

سید بن طاوس در کتاب مهج الدعوات به سندش از محمد بن ربیع حکایت کرد که منصور

دوانیقی سرّ عملی نکردن نقشه شومش نسبت به امام صادق علیه السلام را این‌گونه توضیح داد:

... فَلَمَّا هَمَمْتُ بِهِ ... فَتَمَثَّلَ لِي رَسُولُ اللَّهِ بِأَسْطِ ذِرَاعِيهِ قَدْ تَشَمَّرَ وَ

أَحْمَرُ وَ عَبَسَ وَ قَطَبَ حَتَّى كَادَ أَنْ يَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ فَخِيفْتُ وَ اللَّهُ لَوْ فَعَلْتُ

لَفَعَلْتُ وَ كَانَ مِنِّي مَا رَأَيْتَ وَ هُوَ لَا مِنْ بَنِي فَاطِمَةَ وَ لَا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا

جَاهِلٌ لَا حَظَّ لَهُ فِي الشَّرِيعَةِ ... ۴۳

۳۷. ر.ک: بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۱۱. نکته: در سندی که شیخ حر عاملی در کتاب اثبات الهداة ذکر کرده، به جای عبدالله

بن سنان، عبدالله بن سلیمان که مجهول هست، ذکر شده است. سلسله سند در بصائر الدرجات، همه امامی و عادل‌اند.

۳۸. ر.ک: بصائر الدرجات، ج ۱، باب فی أن الأئمة علیهم السلام یزورون الموتی و أن الموتی یزورهم، احادیث «۲، ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲،

۱۴، ۱۵ و ۱۷».

۳۹. ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۳.

۴۰. ر.ک: الإختصاص، ص ۲۷۳: «...قَدْ أَمَرْتُكَ فَأَطِيعُهُ...».

۴۱. ر.ک: همان، ص ۲۷۲ تا ۲۷۵.

۴۲. سیدهاشم بحرانی در تفسیر البرهان دو منبع برای این حدیث ذکر کرده است: إرشاد القلوب و الهدایة الكبرى (ص ۱۰۴)؛

همچنین ر.ک: البرهان، ج ۲، ص ۳۵۷.

۴۳. ر.ک: ص ۱۹۷.

همین که در مرتبه اول تصمیم کشتنش را گرفتم پیامبر ﷺ را دیدم بین من و او فاصله شد؛ دست‌های خود را گشاده و تا آرنج بالا زده نسبت به من بسیار ناراحت و خشمگین است. در مرتبه دوم که شمشیر را بیشتر کشیدم دیدم پیامبر ﷺ خیلی به من نزدیک شد و تصمیم داشت اگر من گزند برسانم کار مرا بسازد. باز جرأت کردم و با خود گفتم این کار جن گیرها است. در مرتبه سوم که شمشیر را خارج کردم پیامبر ﷺ به من نزدیک شد پنجه‌های خود را گشوده بود... چشمانش قرمز شده بود و خشم فراوان در صورتش پیدا بود، نزدیک بود مرا در پنجه‌های خود بفشارد. بخدا ترسیدم اگر او را ببازم پیامبر ﷺ مرا کیفر کند. دیدی که دیگر با او چه معامله کردم. مقام این فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام را هر کس منکر شود نادان است و از دین بهره‌ای نبرده است. مبدا این جریان را کسی از تو بشنود. محمّد بن ربیع گفت: پدرم این جریان را پس از مرگ منصور برابم نقل کرد. من نیز پس از مرگ مهدی و موسی و هارون و کشته شدن محمّد امین نقل کردم.

پیام احادیث متنوع که تعدادی از آنها در این گفتار گزارش شد، وقوع ملاقات با برخی معصومان علیهم السلام بعد از رحلت ایشان است.

ب. شواهد روایی امکان وقوعی شهود معصومان در حالت بیداری

شایان ذکر است که برخی از روایات، شاهد خوبی برای ملاقات شهودی با معصومان هستند؛ مانند: ملاقات با برخی از نیکان، توسط معصوم و غیر معصوم، در گزارشات روایی. پذیرش این آموزه می‌تواند مؤید و مؤکد بسیار شایسته برای امکان ارتباط و شهود معصومان باشد؛ زیرا، زمانی ملاقات با نیکان مقدور است که آنان از حیات بعد از وفات بهره‌مند باشند. اگر آنان از حیات بهره‌مند باشند به طریق اولی پیشوایان معصوم که کامل‌ترین بشریت‌اند نیز از حیات بهره‌داشته و باز به طریق اولی ارتباط و ملاقات با ایشان ممکن خواهد بود. دو نمونه از این روایات به شرح ذیل است:

۱. ملاقات حضرت خدیجه علیها السلام با زنان بهشتی

شیخ صدوق در کتاب الأمالی و طبری در کتاب دلائل الإمامة ملاقات حضرت خدیجه علیها السلام با زنان

بهشتی (ساره، آسیه، مریم و کلثوم خواهر حضرت موسی یا صفورا دختر حضرت شعیب) را روایت کرده‌اند. فرازی از این واقعه به روایت «مفضل بن عمر» از امام صادق علیه السلام چنین است:

...إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا زَيْعُ نِسْوَةِ سُمْرُطَوَالٍ كَاثَمَهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ،
فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ، فَقَالَتْ لَهَا إِحْدَاهُنَّ: لَا تَحْزِنِي يَا خَدِيجَةُ! فَأَرْسَلْنَا رَبَّكَ
إِلَيْكَ، وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكَ، أَنَا سَارَةُ، وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ
رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ، وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ هَذِهِ كَلْثُومُ أُخْتُ مُوسَى
بْنِ عِمْرَانَ؛ بَعَثْنَا اللَّهُ إِلَيْكَ لِنَلِي مِنْ أَمْرِكَ مَا تَلِي النِّسَاءُ. فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً
عَنْ يَمِينِهَا، وَ الْأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا، وَ الثَّلَاثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا، وَ الرَّابِعَةُ مِنْ
خَلْفِهَا... ٤٤

چهار زن گندم‌گون بلندبالا مانند زنان بنی‌هاشم بر او وارد شدند
او از آنها ترسید، یکی از آنها گفت: ای خدیجه غم مخور که
پروردگارت ما را فرستاده و ما خواهران تو هستیم؛ من ساره‌ام و این
آسیه دختر مزاحم که رفیق تو است در بهشت و این مریم دختر عمران
و این کلتوم خواهر موسی بن عمران است. خدا ما را فرستاده تا مانند
زنان از تو پذیرائی کنیم. یکی سمت راستش نشست و یکی سمت
چپش و سومی برابرش و چهارمی پشت سرش...

۲. ملاقات پیامبر با دو شهید

موفق خوارزمی (۵۶۸ق) در کتاب المناقب به سندش از ابوعلقمه روایت کرد: پیامبر ﷺ نماز
صبح را با ما به‌جا آورد. آنگاه، رو به ما کرد و فرمود:

یاران من! «رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَمِّي...»؛ دیشب، عمویم حمزه بن
عبدالمطلب و برادرم جعفر بن ابی‌طالب را دیدم... فَدَنَوْتُ مِنْهَا
فَقُلْتُ: يَا أَبِي أَنتُمْ، أَيِ الْأَعْمَالِ وَجَدْتُمَا أَفْضَلَ؟ قَالَا: فَدَيْنَاكَ بِالْآبَاءِ وَ
الْأُمَّهَاتِ، وَجَدْنَا أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ: الصَّلَاةَ عَلَيْكَ، وَ سَقَى الْمَاءِ، وَ حُبَّ
عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

۴۴. ر.ک: امالی صدوق، ص ۵۹۳، ش ۱؛ دلائل الإمامة، ص ۷۷، ح ۱۷، «...هَذِهِ صُغُرَاءُ بِنْتُ شُعَيْبٍ...».

به آن دو نزدیک شدم و گفتم: پدرم فدایتان! کدام اعمال را بهتر یافتمید؟ آن دو گفتند: پدران و مادران ما به فدایت! آب‌رسانی [به حُجَّاج] و دوست‌داشتن امیرمؤمنان را بهترین کارها یافتم.^{۴۵}

گفتمی است که طبق روایت ابوعلقمه، دیدار، مقید به خواب نیست؛ این در حالی است که در کتاب الدعوات تألیف راوندی (۵۷۳ق) به روایت ابن عباس مقید به خواب است:

قَالَ [لِي] النَّبِيُّ [رَأَيْتُ] فِيهَا يَرَى النَّائِمُ عَمِّي ...^{۴۶}

دو نکته مهم:

۱. بیداری و خواب معصوم یکی است. مؤلفان قرب الإسناد و كشف الغمة به سندشان از حسن بن علی و شاء روایت کرده‌اند که امام رضا علیه السلام به او فرمود:

إِنَّ أَبِي كَانَ عِنْدِي الْبَارِحَةَ... إِنَّ جَعْفراً كَانَ يَجِيءُ إِلَى أَبِي فَيَقُولُ:
يا بنى اُفْعَلْ كَذَا، يا بنى اُفْعَلْ كَذَا... يا حَسَنُ، إِنَّ مَتَامَنَا وَ يَقَطَّتْنَا
وَاحِدَةً.^{۴۷}

پدرم دیشب پیش من بود. ... [امام] صادق علیه السلام [نیز] همیشه [پس

از شهادتش] پیش پدرم (امام کاظم علیه السلام) می‌آمد و می‌فرمود: پسرم

فلان کار را انجام بده. ... حسن! خواب و بیداری ما یکی است.

۲. بسیار روشن است که وقوع ملاقات با برخی نیکان، به طریق اولی پیام‌آور امکان دیدار با پیامبران و امامان، حتی حضرت زهرا علیها السلام است.

ج. ادله روایی شهود حتمی معصوم علیه السلام در حالت احتضار

شمار زیادی از روایات، نسبت به حضور برخی معصومان علیهم السلام کنار بالین محتضر و مشاهده آشکار آنها توسط وی،^{۴۸} صراحت دارند. شیخ مفید این روایات را متواتر^{۴۹} و اعتقاد به این واقعیت را اجماع

۴۵. ر.ک: ص ۷۴، ح ۵۳.

۴۶. ر.ک: ص ۹۰، ح ۲۲۷.

۴۷. قرب الإسناد، ص ۳۴۸، ۱۲۵۸؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۰۳.

۴۸. ر.ک: الکافی، ج ۳، ص ۱۲۹، ح ۱.

۴۹. روایت در یک تقسیم‌بندی کلی بر اساس شمار راویان به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: متواتر و خبر واحد. متواتر از ریشه «تواتر» به معنای تتابع و در پی آمدن چیزی است و در اصطلاح، حدیثی است که شمار راویان آن در هر طبقه به حدی باشد که عادتاً تبانی آنان بر دروغ محال باشد. احادیث متواتر گاهی با لفظ و صیغه واحد و در بسیاری از موارد با الفاظ متفاوت و البته با معنا و مفاد مشترک هستند؛ قسم اول را «متواتر لفظی» و قسم دوم را «متواتر معنوی» گویند. روایات متواتر موجود در این پژوهش از قسم دوم هستند (ر.ک: آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۷۷). هر روایتی که تعریف متواتر بر آن صدق نکند و فاقد شرایط آن باشد، خبر واحد است (همان، ص ۱۷۸).

امامیه می‌داند.^{۵۰} علامه مجلسی با اعتقاد به نهایت شهرت این آموزه‌ها، آنها را مستفیض^{۵۱} می‌داند.^{۵۲} شیخ حرّ عاملی با قطعی دانستن دلالت این روایات، معتقد است آنها فراتر از حدّ تواتر می‌باشند.^{۵۳} محمد کلینی در الکافی هفده روایت از این دست را ذیل «باب ما یعیّن المؤمن و الکافر» ذکر کرده است. متن دو نمونه از این روایات به شرح ذیل است:

یکه عقبه بن خالد أسدی از امام صادق علیه السلام:

... يَرَاهُمَا وَ اللهُ. فَقُلْتُ: ... مَنْ هُمَا؟ قَالَ: ذَلِكَ رَسُولُ اللهِ وَ عَلِيٌّ...
... يَدْخُلَانِ جَمِيعًا عَلَى الْمُؤْمِنِ فَيَجْلِسُ رَسُولُ اللهِ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ عَلِيٌّ عِنْدَ رِجْلَيْهِ. فَيَكِبُّ عَلَيْهِ رَسُولُ اللهِ فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللهِ! أَبَشِّرُ أْنَا رَسُولُ اللهِ...
... ثُمَّ يَنْهَضُ رَسُولُ اللهِ فَيَقُومُ؛ عَلِيٌّ حَتَّى يَكِبَّ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللهِ! أَبَشِّرُ أْنَا عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ...^{۵۵}

...به خدا قسم آن دو را می‌بیند. گفتیم: ... کدام دو نفر؟ فرمود: پیامبر و حضرت علی را. ... پیامبر نزدیک سر و حضرت علی نزدیک پای محتضر با ایمان می‌نشینند. پیامبر و حضرت علی به او بشارت داده خود را معرفی می‌کنند. امام صادق علیه السلام در ادامه به آیه‌ای از قرآن استناد فرمودند.^{۵۶}

۵۰. ر.ک: أوائل المقالات، ص ۷۲، «...تواتر الخبر به».

۵۱. مستفیض، از ریشه «فاض الماء» به معنای سرازیر شدن آب است و در اصطلاح، به حدیثی گفته می‌شود که روایان آن در هر طبقه زیاد باشند، اما بیشتر محدثان معتقدند که مستفیض حدیثی است که روایان آن در هر طبقه بیش از سه تن باشند (آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۸۵).

۵۲. ر.ک: بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۰۰.

۵۳. ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۹، «قد تجاوزت حد التواتر ودلالاتها قطعية».

۵۴. ر.ک: المحاسن، ج ۱، ص ۱۷۶: «...فَيَقْدُمُ عَلَيْهِ عَلِيٌّ علیه السلام...».

۵۵. «... ثُمَّ قَالَ: إِنَّ هَذَا فِي كِتَابِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ... فِي يُونُسَ...: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ. هُمْ الْبَشَرُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَعْوُ الْعَظِيمُ»؛ ترجمه آیه: در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است. وعده‌های خدا را تبدیلی نیست این همان کامیابی بزرگ است» (یونس: ۶۴).

۵۶. ر.ک: الکافی، ج ۳، ص ۱۲۸، ج ۱. تنها راوی این روایت که توثیق خاص ندارد، سهل بن زیاد آدمی است. دو دیدگاه درباره وی مطرح است: یک: احادیثش ضعیف و غیر قابل اعتماد است. أحمد بن محمد بن عیسی نیز همواره وی را غالی و دروغگو دانسته و او را از قم به ری تبعید کرد (ر.ک: رجال النجاشی، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰، «...کان ضعیفا فی الحدیث غیر معتمد فیه») دو: وی فقه است (ر.ک: «رجال الطوسی»، ص ۳۸۷، ش ۵۶۹۹).

دو. سعید بن یسار عجللی گفت: هنگام مرگ زکریا پسر شاپور حاضر بودم. وی شخص با ورع، با فضیلت و اهل خشوع بود. او قبل از جان دادن دستش را گشود و گفت:

أَبِضَّتْ يَدِي يَا عَلِيَّ.

دستم سفید شد ای علی علیه السلام.

آنچه دیده بودم را با امام صادق علیه السلام در میان گذاشتم. حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمود:

وَ اللَّهُ رَأَى وَ اللَّهُ رَأَى وَ اللَّهُ رَأَى. ۵۷

به خدا قسم او (حضرت علی علیه السلام) را دید.

غیر از حسن بن علی بن فضال التیمی، بقیه روایان در این موثقه، امامی و ثقه‌اند. «ابن فضال» نیز به شهادت رجالیان، از اصحاب خاص و راوی از امام رضا علیه السلام، شخصیت برجسته، اهل زهد و ورع و ثقه در حدیث بود. وی فطحی بود اما هنگام مرگ مستبصر شد. اطلاق این روایات، پس از رحلت معصومان علیهم السلام را نیز شامل می‌شود.

نتیجه‌گیری

اهم نتایج به‌دست آمده به‌شرح ذیل است: ۱. روایات فراوان در وقوع ملاقات با معصومان علیهم السلام بعد از وفاتشان ثبت شده است. ملاقات‌کنندگان، هم از معصومان علیهم السلام و هم از افراد عادی (اعم از نیک و بد) هستند. ۲. معتبرترین احادیث، در معتبرترین جوامع حدیثی فریقین، روایات معراجیه است. این روایات مربوط به حضور پیامبر در گردهمایی پیامبران در بیت‌المقدس و ملاقات با تعدادی از آنان در آسمان است. ۳. ملاقات نبی مکرم با دو شهید (حضرت حمزه و جعفر طیار) و ملاقات حضرت خدیجه با زنان بهشتی را برخی از محدثان نام‌آور روایت کرده‌اند. این دست از روایات شاهدان شایسته برای امکان وقوعی شهود وفات‌یافتگان معصوم در بیداری هستند؛ زیرا، اثبات امکان وقوعی شهود غیر معصومان وفات‌یافته در بیداری به‌طریق اولی مثبت همین حقیقت برای معصومان است. ۴. تعدادی از بزرگان، نصوص مربوط به حضور برخی معصومان علیهم السلام کنار بالین محتضر و مشاهده آشکار آنها توسط وی را در نهایت شهرت، مستفیضه، متواتر بلکه فراتر از حدّ تواتر و اجماع امامیه دانسته‌اند. اطلاق این روایات، پس از رحلت معصومان را نیز شامل می‌شود.

کتابنامه

۱. القرآن الکریم، ترجمه: محمدمهدی فولادوند، تحقیق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، اول، ۱۴۱۵ق.
۲. إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، محمد بن حسن حر عاملی، بیروت: اعلمی، اول، ۱۴۲۵ق.
۳. الإحتجاج علی أهل اللجاج، احمد طبرسی، تحقیق: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، اول، ۱۴۰۳ق.
۴. الإختصاص، محمد بن محمد مفید، تحقیق: علی کبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۵. إرشاد القلوب إلى الصواب، حسن بن محمد دیلمی، قم: الشریف الرضی، اول، ۱۴۱۲ق.
۶. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد مفید، تحقیق: مؤسسة آل البيت، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۷. امالی المرتضی (غرر الفوائد و درر القلائد)، علی علم الهدی، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالفکر العربی، اول، ۱۹۹۸ م.
۸. الأمالی، محمد بن علی بن بابویه، تهران: کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۹. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، اول، ۱۴۲۱ق.
۱۰. أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، محمد بن محمد مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۱. آشنایی با علوم حدیث، دکتر علی نصیری، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، اول، بهار ۸۲ش. دوم، تابستان ۸۲ش.
۱۲. بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الاطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۳. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، تهران: بنیاد بعثت، اول، ۱۴۱۶ق.
۱۴. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، محمد بن حسن صفار، تحقیق: محسن کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۵. تاج العروس من جواهر القاموس، مرتضی زبیدی، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۶. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصبی عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۷. تشیید المراجعات و تفنید المکابرات، سید علی میلانی، قم: مرکز الحقائق الإسلامیة، چهارم، ۱۴۲۷ق.

۱۸. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، قم: دارالکتاب، سوم، ۱۴۰۴ق.
۱۹. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۰۹ق.
۲۰. التوحید، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۳۹۸ق.
۲۱. الخرائج و الجرائح، سعید بن هبة الله قطب‌الدین راوندی، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
۲۲. الدعوات - سلوة الحزین، سعید بن هبة الله قطب‌الدین راوندی، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۷ق.
۲۳. دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، محمد بن جریر بن رستم طبری آملی صغیر، قم: بعثت، اول، ۱۴۱۳ق.
۲۴. الذریعة إلى تصانیف الشیعة، آقا بزرگ الطهرانی، بیروت: دارالأضواء، دوم، بی تا.
۲۵. رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، سوم، ۱۳۷۳ش.
۲۶. رجال النجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشیعة)، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ششم، ۱۳۶۵ش.
۲۷. شرح مسلم، النووی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق - ۱۹۸۷م.
۲۸. الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، قاضی عیاض، عمان: دارالفتح، دوم، ۱۴۰۷ق.
۲۹. صحیح البخاری، محمد البخاری الجعفی، تحقیق: محمد زهیر، تعلیق: د. مصطفی دیب البغا، نشر: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۳۰. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۱. فتح القدير، محمد شوکانی، بیروت: دار ابن کثیر و دارالکلم الطیب، اول، ۱۴۱۴ق.
۳۲. قرب الإسناد (ط - الحديثة)، عبد الله بن جعفر حمیری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۳ق.
۳۳. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۴. کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة)، تحقیق: سید رسول هاشمی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی، اول، ۱۳۸۱ق.
۳۵. لسان العرب، محمد بن منظور، بیروت: دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
۳۶. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق: با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ق.

٣٧. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقى، تحقيق: جلال الدين محدث، قم: دارالكتب الإسلامية، دوم، ١٣٧١ق.
٣٨. مدينة معاجز الإمامة اثني عشر و دلائل الحجج على البشر، سيد هاشم بحراني، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، اول، ١٤١٣ق.
٣٩. المسائل و الرسائل المروية عن الإمام أحمد بن حنبل في العقيدة، رياض: دار طيبة، دوم، ١٤١٦ق.
٤٠. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و ديكران، بی جا، مؤسسة الرسالة، الثانية، ١٤٢٠ق.
٤١. المصنف في الأحاديث والآثار، ابن أبي شيبة الكوفى، تحقيق: سعيد اللحام، بيروت: دارالفكر، الأولى، ١٤٠٩ق.
٤٢. مفاتيح الغيب، محمد بن عمر رازى، بيروت: دار احياء التراث العربى، سوم، ١٤٢٠ق.
٤٣. مفاهيم القرآن، شيخ جعفر سبحانى، قم: مؤسسة امام صادق عليه السلام، بی تا.
٤٤. من لا يحضره الفقيه، محمد بن على بن بابويه، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: انتشارات اسلامى، دوم، ١٤١٣ق.
٤٥. مناقب آل أبي طالب، محمد بن على بن شهر آشوب مازندراني، قم: نشر علامه، اول، ١٣٧٩ق.
٤٦. المناقب، الموفق الخوارزمى، تحقيق: الشيخ مالك المحمودى - مؤسسة سيدالشهداء، بی جا، مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١٤ق.
٤٧. مهج الدعوات و منهج العبادات، على بن طاووس، محقق: ابوطالب كرماني و محمدحسن محرر، قم: دارالذخائر، اول، ١٤١١ق.
٤٨. الميزان فى تفسير القرآن، سيدمحمدحسين طباطبايى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، پنجم، ١٤١٧ق.
٤٩. نفحات الأزهار، سيد على ميلانى، قم: مهر، اول، ١٤١٤ق.
٥٠. نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين، ملا محسن فيض كاشانى، تحقيق: مهدي انصارى قمى، تهران: مؤسسة مطالعات و تحقيقات فرهنگى، اول، ١٣٧١ش.
٥١. النهاية فى غريب الحديث و الأثر، مبارك بن اثير جزرى، تحقيق: محمود محمد طناحى - طاهر احمد زاوى، قم: مؤسسة مطبوعاتى اسماعيليان، چهارم، ١٣٦٧ش.
- الهداية الكبرى، حسين بن حمدان خصبى، بيروت: البلاغ، ١٤١٩ق.